



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

پرورش خلاقیت دانش آموزان از طریق رفتارهای معلم

ثریا کرمی بلداجی^۱

معلم مدرسه حضرت رقیه روستای کینک

اداره آموزش و پرورش شهرستان لردگان

soraya.karami0521@gmail.com

۰۹۳۳۲۵۵۰۵۲۱

چکیده:

پرورش خلاقیت دانش آموزان به مسئولیت اضافه معلمان کلاس تبدیل شده است. بنابراین معلمان باید از راه های ممکن برای پرورش خلاقیت دانش آموزان آگاه باشند. خلاقیت دانش آموزان را می توان از طریق مدل سازی اجتماعی، تقویت، و بوم شناسی کلاس درس افزایش داد. استدلال می شود که رفتارهای تدریس خود معلمان نقش مهمی در پرورش خلاقیت دانش آموزان ایفا می کند و شاخص CFTI هم به عنوان یک ابزار آموزشی و هم به عنوان ابزار سنجشی برای پرورش خلاقیت در زمینه کلاس درس عمل می کند. پیشرفت تحقیق بستگی به در دسترس بودن ابزار اندازه گیری مربوطه دارد. مقیاس رفتار معلم پرورش دهنده خلاقیت (CFTIndex) برای پاسخگویی به نیاز محققانی که در این حوزه خاص از خلاقیت کار می کنند طراحی شده است. از زمانی که اولین بار در سال ۲۰۰۰ ظاهر شد، به طور گسترده در سراسر جهان استفاده شده و به چندین زبان ترجمه شده است. این مقاله مطالعات انجام شده را خلاصه کرده و توسعه بیشتر آن را مورد بحث قرار می دهد.

واژگان کلیدی: پرورش خلاقیت، بوم شناسی کلاس درس، تقویت، مدل سازی اجتماعی، رفتار معلم.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱- مقدمه :

در حال حاضر این یک کلیشه است که بگوییم ما به خلاقیت نیاز داریم. نیاز به خلاقیت در زمینه‌های مختلف و در بسیاری از جنبه‌های تلاش‌های انسانی ابراز می‌شود. و رسم بر این بوده است که جامعه هر آنچه را که نیاز داشته باشد برای تامین آن به سمت مدرسه می‌نگرد. از این نظر، مدرسه موظف است دانش‌آموزانی را تولید کند که اکنون و مهم‌تر از آن بعداً که به دنیای بزرگسالان می‌روند، خلاقیت خود را از خود نشان دهند. اگرچه مدرسه از منابع زیادی برای تداوم دانش انباشته شده جامعه استفاده می‌کند، همچنین بدیهی است که بسیاری از این دانش به زودی منسوخ می‌شود زیرا دانش‌های جدید به طور تصادفی جایگزین دانش‌های موجود می‌شوند. از این رو، اینشتین "نشانه واقعی هوش دانش نیست، بلکه تخیل است." بنابراین، به معنای واقعی، خلاقیت یک «موضوع» فراگیر است که باید در کل برنامه درسی مدرسه از طریق همه موضوعات تلقین شود، اگرچه هنوز به عنوان یک «موضوع» برچسب گذاری نشده است.

این بدان معناست که همه معلمان باید خلاقیت را به عنوان بخشی از موضوعاتی که برای تدریس آنها تخصص دارند، آموزش دهند. به طور سنتی تصور می‌شود که خلاقیت حوزه موسیقی، هنر، ادبیات و رقص به اصطلاح موضوعات هنری یا خلاقانه است. اما، در شرایط امروزی، خلاقیت در تمام موضوعات در مدرسه نفوذ می‌کند.

بنابراین، معلمان باید نه تنها زبان، بلکه زبان خلاق، نه تنها ریاضی، بلکه ریاضیات خلاق، نه تنها علوم، بلکه خلاقیت علمی و غیره را نیز آموزش دهند. به طور خلاصه، پرورش خلاقیت دانش‌آموزان بخشی از آموزش است. این به طور طبیعی منجر به این سؤال می‌شود که چگونه می‌توان خلاقیت دانش‌آموزان را پرورش داد و معلمان چگونه باید آموزش دهند تا خلاقیت دانش‌آموزان ظهور کند. با توجه به اینکه خلاقیت دانش‌آموز یک هدف آموزشی مهم است، پرورش خلاقیت دانش‌آموز به مسئولیت اضافه معلمان تبدیل شده است. از این منظر، خلاقیت یک ویژگی رفتاری است که از معلمان انتظار می‌رود آن را در دانش‌آموزان ترویج یا پرورش دهند.

این موضوع این سوال را مطرح می‌کند که چگونه معلمان می‌توانند خلاقیت را در فرآیند تدریس پرورش دهند. مقاله حاضر موضوعات مرتبط را مورد بحث قرار می‌دهد و اکولوژی کلاس درس را به عنوان راه حل پیشنهاد می‌کند، هر چند جزئی باشد. اساساً، نویسنده حاضر معتقد است که سه راه برای پرورش خلاقیت دانش‌آموزان وجود دارد: مدل‌سازی اجتماعی، تقویت، و بوم‌شناسی کلاس درس. این مطابق با ملو^۱ (1996) است که هنگام بحث در مورد اینکه چگونه تنظیمات آموزشی می‌تواند بر خلاقیت کودکان پیش دبستانی تأثیر بگذارد، پیشنهاد می‌کند که سه جنبه وجود دارد: محیط خلاق، برنامه‌های خلاق، و معلمان خلاق و روش‌های تدریس.

مدل سازی اجتماعی

یکی از راه‌هایی که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند خلاق باشند، تقلید از رفتار معلمانشان است. این به ویژه در مورد کودکان کوچکتر صادق است. وقتی معلمان خلاقانه رفتار می‌کنند، دانش‌آموزان احتمالاً از آنها تقلید می‌کنند و به همین ترتیب رفتار می‌کنند. چنین مدل‌سازی اجتماعی یا یادگیری مشاهده‌ای، که از آلبرت باندورا (۱۹۶۳، ۱۹۸۶) نشأت می‌گیرد، روش طبیعی یادگیری دانش‌آموزان جوان است و در محیط اجتماعی طبیعی که مدل‌ها به راحتی در دسترس هستند رخ می‌دهد (اتکین، ۱۹۷۶).

کلاس درس قطعاً مکانی است که تعامل معلم و دانش‌آموز به طور مداوم در آن رخ می‌دهد. بنابراین، مفهوم مدل‌سازی اجتماعی این است که برای رشد خلاقیت در دانش‌آموزان، معلمان باید خلاقیت خود را نشان دهند و در نتیجه به عنوان الگوهای رفتاری در تعامل با دانش‌آموزان خود عمل کنند. برای مثال، و هرتل^۲، ترکاسکای^۳، ریدتک^۴ (2015: 1) به وضوح این را شرط می‌دانند، بنابراین، "اجرای سناریوهای آموزش و یادگیری که خلاقیت دانش‌آموزان را پرورش می‌دهد، خود مستلزم خلاقیت معلم است.

"کراپلی (۲۰۰۶) در بحثی درباره رویکرد اجتماعی به خلاقیت، تفکر اولیه را که خلاقیت را وسیله‌ای غیراجتماعی برای بیان فردی می‌داند با خلاقیت به عنوان یک پدیده اجتماعی مقایسه کرد.

او استدلال کرد که رویکرد اجتماعی به خلاقیت فرصت تمایز بین تازگی "ارتدوکس" و "رادیکال" را ارائه می‌دهد. رویکرد اجتماعی بر اهمیت الگوها یا مربیان، از جمله، و قدرت معلمان برای تأثیرگذاری بر رفتار دانش‌آموز تأکید می‌کند. در اینجا، عملکرد معلمان به عنوان الگوهایی که رفتارهای خلاقانه آنها باید توسط دانش‌آموزان تقلید شود، مورد توجه ویژه است.

1. Mellou

2. Haertel

3. Trkowsky

4. Radtke



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



علاوه بر این، مدل سازی اجتماعی یک عنصر عاطفی دارد. دانش آموزان، به ویژه جوانان، از افرادی الگوبرداری می کنند که با آنها روابط عاطفی مثبتی دارند، یا به سادگی، افرادی را که دوست دارند و تحسین می کنند. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می دهد جوانان، به ویژه نوجوانان، از بت های مورد تحسین خود مانند خوانندگان پاپ، افراد مشهور سینما، ورزشکاران و حتی شخصیت های تخیلی تلویزیونی و طنز الگوبرداری می کنند. در زمینه مدرسه، پیوندهای عاطفی باعث می شود دانش آموزان با معلمان مورد تحسین نزدیک شوند و در نتیجه وابستگی روانی و امنیت پیدا کنند. این امر بر اهمیت روابط با دانش آموزان تأکید می کند که در واقع ممکن است مثبت، خنثی یا منفی باشد. با این حال، پرورش خلاقیت از طریق مدل سازی اجتماعی دو محدودیت دارد. اولین محدودیت این است که معلمان خلاق بنا به تعریف نادر هستند.

علاوه بر این، طبق سنت، هدف تدریس بیشتر از واگرایی، همگرایی است. معلمان باید اطمینان حاصل کنند که دانش آموزان آنچه را که در برنامه درسی تجویز شده است، یاد می گیرند تا انتقال فرهنگی یا کارکرد بازآفرینی آموزش را انجام دهند. حتی در موارد نادری که معلمان از نظر شخصیتی یا دیدگاه یا هر دو خلاق باشند، ممکن است مجبور شوند از فراتر رفتن از مرزهای تحمیلی مرسوم خودداری کنند، به اصطلاح، هنگام تدریس خلاقانه. این امر در یافته های موانع خلاقیت در آموزش مشهود است: مریبان و والدین به سیستم نمره می دهند (برلند، ۲۰۱۳) ۸۰ مریبی و والدین را مورد بررسی قرار دادند.

۲- روش شناسی:

روش مورد مطالعه براساس داده های کیفی و کمی می باشد و با استفاده از مطالعات کتابخانه ای و مقالات معتبر علمی مورد بررسی قرار گرفته است.

بزرگترین مانعی که مریبان و اولیای دانش آموزان بر سر راه آموزش خلاقیت در تعلیم و تربیت ارائه می دهند به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱- موانع آموزش خلاقیت در تعلیم و تربیت

موانع آموزش خلاقیت	والدین	مریبان
سیستم آموزشی که بیش از حد متکی به آزمون و ارزشیابی است	۲۵٪	۲۱٪
کمبود منابع	۹٪	۱۶٪
معلمان از انحراف خارج از برنامه درسی محدودیت دارند	۱۶٪	۱۲٪
دستورات سنگین آموزشی که مانع خلاقیت می شود	۱۰٪	۱۱٪
برنامه درسی فعلی آموزش و پرورش	۷٪	۱۰٪
مریبانی که به ابزارها و تکنیک هایی برای آموزش خلاقیت مجهز نیستند	۱۱٪	۱۰٪

دومین محدودیت الگوبرداری اجتماعی به عنوان راهی برای پرورش خلاقیت دانش آموزان این است که ممکن است بین معلمان و دانش آموزان روابط عاطفی وجود نداشته باشد. در حالت ایده آل، یک رابطه اجتماعی-حرکتی مثبت در کلاس درس حاکم است، اما واقعیت این است که همه معلمان (خلاق یا غیر خلاق) توسط دانش آموزان خود تحسین نمی شوند. تعامل و رابطه تحت تأثیر عوامل خارج از کنترل معلم است. این بدان معناست که پرورش خلاقیت دانش آموز از طریق مدل سازی اجتماعی، شانس زیادی را به همراه دارد.

بنابراین، برخی از معلمان خلاق ممکن است از طریق الگوسازی اجتماعی، خلاقیت دانش آموزان را پرورش دهند و برخی از دانش آموزان ممکن است در نتیجه الگوبرداری از معلمان خلاق که دوست دارند، خلاقیت را توسعه دهند، اما قطعاً این امر در مورد همه معلمان خلاق و دانش آموزان آنها صدق نمی کند و بسیاری از دانش آموزان را بی تأثیر می گذارد.

تقویت

راه دوم برای پرورش خلاقیت دانش آموزان، تقویت (پاداش) رفتارهای خلاقانه زمانی است که دانش آموزان آنها را نشان می دهند. این یک واقعیت است که رفتارهای تقویتی آنها را حفظ می کند و احتمال عود آنها را افزایش می دهد (پیترز، ۲۰۱۰). این البته از شرطی سازی عامل اسکینر که توسط تایمر مورد احترام قرار می گیرد نشأت گرفته است. اثربخشی تقویت در کنترل رفتار توسط مطالعاتی که با استفاده از اصلاح رفتاری انجام می شود،



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

به وسیله اثبات شده است (ددریچ، ۲۰۱۰) به طور کلی، اصلاح رفتاری یک کاربرد شرطی سازی عامل است که به طور گسترده برای تغییر رفتارهایی که معمولاً مشکل ساز یا نامطلوب در کودکان خردسال هستند، استفاده می شود و در زمینه های دیگر، از جمله ارتقای خلاقیت، به کار رفته است. وینستون و بیکر (۱۹۸۵) مطالعاتی را بررسی کردند که خلاقیت را به عنوان رفتار عملی تلقی می کردند، شواهدی از افزایش خلاقیت در پاسخ به تقویت نتیجه یافتند.

بنابراین، برای پرورش خلاقیت دانش آموزان، معلمان باید مراقب رفتارهای خلاقانه دانش آموزان باشند و آن ها را هرازگاهی تقویت کنند. با این حال، به دو دلیل ممکن است گفتن این کار آسان تر از انجام آن باشد.

اولاً، معلمان باید بتوانند رفتارهای خلاقانه دانش آموزان را زمانی که در تعامل عادی کلاس ظاهر می شوند تشخیص دهند و مهمتر از آن، معلمان باید آماده باشند تا آنها را تقویت کنند. مشکل این است که رفتارهای خلاقانه دانش آموزان ممکن است مخفی شود و مدت ها است که مشخص شده است که معلمان دانش آموزان خلاق را دوست ندارند و حتی ممکن است آنها را به خاطر آن تنبیه کنند (تاباروک، ۲۰۱۱). علاوه بر این، حتی اگر معلمان آماده تقویت رفتارهای خلاقانه دانش آموزان باشند، این به درک و درک معلمان از آنچه که رفتار خلاق را تشکیل می دهد بستگی دارد (تان و گو، ۲۰۰۳).

ثانیاً، رفتارهای خلاقانه دانش آموزان در زمینه کلاس درس که تفکر همگرا معمولاً تقویت بیشتری نسبت به تفکر واگرا دریافت می کند، نسبتاً نادر است. حتی زمانی که دانش آموزان رفتارهای خلاقانه از خود نشان می دهند، ممکن است از توجه معلمان دور شوند و در نتیجه در زمان مناسب تقویت نشوند، و تقویت به موقع برای تشویق به ظهور مجدد رفتار خلاقانه مطلوب ضروری است.

بدون تقویت، رفتارهای خلاقانه دانش آموزان کمتر ممکن است عود کند و حتی ممکن است در درازمدت در نتیجه عدم تقویت، کاملاً ناپدید شوند. به این دو دلیل، پرورش خلاقیت دانش آموزان از طریق تقویت نیز کار زیادی را به شانس واگذار می کند و از این رو ممکن است به عنوان یک استراتژی کلی برای ارتقای خلاقیت در بین دانش آموزان مؤثر نباشد.

۳- بحث درباره یافته ها

شرایط رفتارهای معلمان پرورش دهنده خلاقیت

آرتور جی کراپلی (۲۰۰۶) در مقاله پراستناد خود به نام «پرورش خلاقیت در کلاس درس: اصول کلی بر اساس بررسی گسترده مقالات مرتبط»، ۹ شرط را فهرست کرد که اگر معلمان می خواهند خلاقیت دانش آموزان را تقویت کنند، باید غالب شوند. طبق نظر کراپلی (۲۰۰۶: ۲۰)، معلمان پرورش دهنده خلاقیت کسانی هستند که به طور معمول هنگام تعامل با دانش آموزان خود کارهای زیر را انجام می دهند:

1. دانش آموزان را به یادگیری مستقل تشویق کنید
 2. یک سبک تدریس مشارکتی و اجتماعی یکپارچه داشته باشید
 3. دانش آموزان خود را برای تسلط بر دانش واقعی ترغیب کنید، به طوری که پایه محکمی برای تفکر واگرا داشته باشند.
 4. به تأخیر انداختن قضاوت درباره ایده های دانش آموزان تا زمانی که به طور کامل کار شده و به وضوح فرموله شود.
 5. تفکر انعطاف پذیر را در دانش آموزان تشویق کنید
 6. ارتقای خودارزیابی در دانش آموزان
 7. پیشنهادات و سوالات دانش آموزان را جدی بگیرید
 8. به دانش آموزان فرصت هایی برای کار با مواد مختلف و تحت شرایط مختلف ارائه دهید
 9. به دانش آموزان کمک کنید تا یاد بگیرند که با ناامیدی و شکست کنار بیایند تا شهادت امتحان کردن چیزهای جدید و غیرعادی را داشته باشند.
- به هر یک از این نه شرط یک برچسب تک کلمه ای داده شد و از نظر رفتارهای معلم در زمینه های کلاس درس در توسعه شاخص رفتار معلم پرورش دهنده خلاقیت (سووح، ۲۰۰۰) عملیاتی شد. شرایط نه گانه به طور خلاصه در زیر توضیح داده شده است.

استقلال

تشویق دانش آموزان به یادگیری مستقل اولین رفتار معلم است که خلاقیت دانش آموزان را پرورش می دهد. طبق تعریف، خلاقیت باید منحصر به فرد باشد و برای منحصر به فرد بودن نیاز به درجه خاصی از استقلال دارد. معلمان با تشویق به استقلال دانش آموز در فکر و عمل، پیش نیاز دانش آموزان

⁵ . Diedrich

⁶ . Soh



را برای خلاقیت در محیط کلاس درس فراهم می کنند. این ممکن است به ویژه برای نوجوانانی که تمایل دارند بیش از حد تحت تأثیر فشار همسالان قرار گیرند و در نتیجه استقلال و خلاقیت را کنار بگذارند بسیار مهم باشد.

انگیزه

ایجاد انگیزه در دانش آموزان برای تسلط بر دانش واقعی، به گونه ای که پایه محکمی برای تفکر واگرا داشته باشند، به عنوان سکوی پرتابی برای کار خلاق ضروری است. این یک تصور غلط رایج است که خلاق بودن یعنی توانایی به دست آوردن چیزی از هیچ. این یک حقیقت است که بسیاری از آثار بزرگ، اگر نگوییم همه، در هنر و همچنین علوم، دانش (و مهارت) محکمی را به عنوان پایه خود دارند. خلاقیت به شکل افزودن همان عنصر حیاتی است که قبلاً وجود نداشت. ممکن است در خلاقیت آرامش وجود داشته باشد اما این برای ذهن آماده است.

تحقیقات بیشتر احتمالی

مطالعاتی که در اینجا و قبلاً در سووح (2015) خلاصه شده است نشان می دهد که علاقه جهانی به رفتار پرورش خلاقیت معلمان و اندازه گیری آن وجود دارد. به یک معنا، این دلیل منطقی برای توسعه شاخص CFTI را اثبات می کند که برای شکوفا شدن تحقیقات در این جنبه مهم آموزش خلاقیت، نیاز به چنین ابزاری وجود دارد.

مطالعات همچنین به کاربردهای مختلف مقیاس به روش های غیرمنتظره در توسعه اولیه آن اشاره می کنند. اکثر محققان از آن به عنوان نوعی تکرار، تأیید اعتبار بین کشوری، ارزیابی اثربخشی آموزش و حتی به عنوان یک معیار اعتبار برای سایر اقدامات جدید توسعه یافته استفاده کردند. از اهمیت نظری و عملی این است که مقیاس به عنوان ابزار اصلی جمع آوری داده ها برای پایان نامه های دکتری در سراسر مناطق جغرافیایی استفاده شده است. در برابر چنین پیشینه ای، یک سوال مرتبط این است که چه مطالعات پژوهشی ممکن دیگری می تواند و چه نیازی دارد انجام شود. پاسخ به این سوال بستگی به خلاقیت و نبوغ محققان خلاقیت دارد که ممکن است در آینده از آن استفاده کنند. با این وجود، نویسنده حاضر جرأت می کند چند جهت ممکن را پیشنهاد کند، البته نه لزوماً کاملاً جدید.

1. شاخص CFTI اصلی یک ابزار خود گزارشی است و بنابراین اعتبار آن همیشه می تواند یک مسئله باشد. شواهدی از خارج از مقیاس مورد نیاز است تا از نظر اعتبار همزمان به آن اعتبار بیشتری بدهد. برای این منظور، رتبه بندی های مشاهده شده توسط هم آموزگاران شواهدی قوی برای اعتبار خود رتبه بندی ارائه می دهد، و درک ماهیت رفتارهای پرورش خلاقیت که در عبارات آیتها ترسیم شده اند، برای ناظران معلم دشوار نیست.

2. در مرحله بعد، رتبه بندی دانش آموزان می تواند شواهد مفیدی باشد، زیرا دانش آموزان دائماً در پایان تعامل معلم و دانش آموز قرار دارند و بنابراین دانش آموزان در موقعیت خوبی هستند تا بگویند آیا معلمانشان ۹ رفتار پرورش خلاقیت را نشان داده اند یا خیر.

3. در حالی که دو رویکرد بالا همبستگی هستند، یک رویکرد دقیق تر، جمع آوری نمرات عملکرد خلاقانه دانش آموزان است که با یک طراحی آزمایشی مناسب به دست آمده است تا دستاوردهای دانش آموز را به عنوان نتایج تلاش معلم برای به کار بردن شرایط ۹ گانه در عمل ارزیابی کند. این تحقیقات ممکن است با استفاده از CFTIndex اساساً به مقیاس داخلی می پردازد و اعتبار آن را بررسی می کند. این تنها روشی نیست که از مقیاس استفاده می شود.

۴- نتیجه گیری

یک تمثیل چینی وجود دارد که درخت بید از شاخه ای که ناخواسته کاشته شده بود رشد کرد. پذیرفته شده است که محبوبیت مقیاس CFTIndex بسیار زیاد است، زیرا به عنوان یک اعتبار سنجی اولیه منتشر شد. سووح (2015) با این وجود، مطالعاتی که از آن در اینجا ذکر شده است، نیاز به چنین ابزاری را که پیش بینی شده است، و در سطح بین المللی تأیید می کند. از این نظر، توسعه شاخص CFTI سهم شناخته شده ای در تحقیقات خلاقیت، به ویژه در زمینه آموزش است. در مقاله حاضر، ضمن تشخیص امکان پرورش خلاقیت دانش آموز از طریق الگوسازی و تقویت اجتماعی، استدلال می شود که این دو رویکرد دارای محدودیتها و محدودیت های ذاتی خود هستند که مانع از تأثیرگذاری بیشتر آنها در مقیاس بزرگ تر می شوند. همچنین استدلال می شود که رویکرد عملی تر و کاربردی تر، ترویج رفتارهای پرورش خلاقیت معلمان است، به گونه ای که آنها معمولاً یک محیط کلاسی ایجاد می کنند که در آن دانش آموزان برای دانش پایه خود و استفاده از آن تشویق می شوند، با شناخت استقلال و نگرش پرسش گر، و جایی که امنیت روانی حاکم است و حمایت عاطفی به آسانی در دسترس است.

به نظر می رسد محبوبیت شاخص CFTI در میان محققان بسیاری از کشورها و درگیر کردن معلمان در سطوح مختلف آموزشی این باور را تأیید می کند. همانطور که داستان پیش می رود، در سال ۱۷۸۳ در پاریس، از بنجامین فرانکلین پرسیده شد: "پرواز در هوا چه فایده ای داشت؟" و در پاسخ پرسید: نوزاد تازه متولد شده چه فایده ای دارد؟ CFTIndex ادعا نمی کند که اختراع جدیدی مانند ماشین پرنده جدید است و اکنون در سنین نوجوانی قرار دارد، اما به نظر می رسد پتانسیل آن به فعلیت رسیده است و نیاز به توسعه و تحقیق بیشتر دارد.

منابع

Atkin, C. K. (1976). *Children's social learning from Television advertising: Research evidence on observational modeling of product consumption. Advances in consumer Research*, 3, 513-519.

Bandura, Al. (1963). *Social Learning and Personality Development*. New York: Holt, Rinehart, and Winston.

Berland, E. (June 2013). *Barriers to Creativity in Education: Educators and Parents Grade the System*. Adobe. <https://campustechnology.com/Articles/2013/06/24/Report-Creativity-Hindered-in-theClassroom-by-Testing-Mandates-Lack-of-Resources.aspx?Page=2>

Cropley, A. J. (2006). *Creativity: A social approach*. *Roeper Review*, 28(3), 125-130.

Diedrich, J. L. (2010). *Motivating Students Using Positive Reinforcement*. Master of Science thesis, State University of New York College at Brockport.

Haertel, T., Terkowsky, C., & Radtake, M. (2015). *Creative Students Need Creative Teachers: Fostering the Creativity of University Teachers – A Blind spot in Higher Engineering Education*. *Proceedings of 2015 International Conference on Interactive Collaborative Learning (ICL)*, 20- 24 September 2015, Florence, Italy.

MELLOU, E. (1996). *Can creativity be nurtured in young children? Early Child Development and Care*, 119, 119–30.

Peters, L. C. (January 8, 2010). *Reinforcement in the classroom improves student motivation and performance*. *Innovative and Perspective*. <http://www.ttacnews.vcu.edu/2>

Soh, K. (2015). *Creativity-fostering teacher behaviour around the world: Annotations of studies using the CFTIndex*. *Cogent Education*, 2: 1-18. <http://dx.doi.org/10.1080/2331186X.2015.1034494>

Soh, K. C. (2000). *Indexing creativity-fostering teacher behavior: A preliminary validation study*. *The Journal of Creative Behavior*, 34, 118–134. <http://dx.doi.org/10.1002/jocb.2000.34.issue-2>

Tabarrok, A. (December 12, 2011). *Teachers don't like creative students*. *Economics, Education*. <http://marginalrevolution.com/marginalrevolution/2011/12/teachers-dont-like-creativestudents.html>

Tan, A-G. & Goh, S-C. (2003). *Singaporean student teachers' perception of teacher behaviors important for fostering creativity*. *Education Journal*, 30(2), 107-131.

Winston, A. S. & Baker, J. E. (Fall 1985). *Behavior analytic studies of creativity: a critical review*. *The Behavior Analyst*, 8(2), 191-205.